سخنرانی مسجد صاحب الزمانی بیرجند جلسه 22

أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيم

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

صَلِّى اللّهُمَّ عَلَى التَّجَلِي الْاَعْظَمِ وَ كَمالِ بَهائِكَ الْاَقْدَمِ، شَجَرَةِ الطّورِ، وَ الْكِتابِ الْمَسْطورِ، وَ النّورِ عَلَى النّورِ، فى طَخْياءِ الدَّيْجورِ عَلَمِ الْهُدي وَ مُجَلِّى الْعَمي وَ نورِ اَبْصارِ الْوَرى وَ بابُكَ الَّذى مِنْهُ يُؤْتى الَّذى يَمْلَأُ الْاَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلاً، كَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً.

دیشب هم گفتم باز هم تذکر می‌دهم، موقعی‌که بنام مقدس اعلی حضرت بقیه‌الله ارواحناه فداه حرکت کردید و عرض ادب به ساحت ولایتش نمودید، تسلیتی هم به پیشگاه مبارکش عرضه بدارید روز شهادت امیرالمومنین7 است، صاحب عزا هم آن بزرگوار هستند و تسلیت شما در دل مبارک آن حضرت بی اثر نیست، مقداری تسلای خاطر پیدا خواهند کرد.

سَیِّدِنا وَ مَوْلانَا وَ أمامِنا وَ هادِينا بِالْحقِّ القائِمِ وَ لَعْنَةُ اللهِ عَلى أعْدائِهِمْ

أَبَدَ الآبِدينَ وَ دَهْرَالدّاهِرينَ.

(وَ إِنَّهُ فِي أُمِ الْكِتابِ لَدَيْنا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ) [1]

علی‌رغم آنانی‌که با امیرالمومنین علی7 مخالفت داشتند و نمی‌خواستند نام و نشانی به هیچ وجه از علی7 در قرآن بماند، قرآن را که جمع کردند البته در دوره بعد از پیغمبر9 جمع شد.

یک حدیث بگویم و رد بشوم. «بخاری» «ابوعبدالله» صاحب کتاب «صحیح» که محکم‌ترین کتاب سنی‌ها است. برادران عامه ما از صحیح بخاری کتابی معتبرتر ندارند در این کتاب از «ام المومنین» ننه برادرهایمان عایشه، هم‌بستر پیغمبر، نه همسر پیغمبر، همسر پیغمبر خدیجه کبری3 بود باقی دیگر همبستر پیغمبر بودند. عُلیا حضرت ام المومنین همبستر پیغمبر، دیگر از این حدیث معتبرتر می‌شود؟ ابدا، بگردید در دنیا برای برادران عامه ما حدیث از این معتبرتر پیدا نمی‌کنید. حدیثی است که ننه‌شان عایشه ذکر کرده است، از پیغمبر9 هم ایشان احادیث زیاد نقل کرده است.

ایشان فرمودند: قرآن در زمان پیغمبر9 جمع نشد، جمع‌آوری نشد، حالا من هم اجازه نمی‌دهم شما جمع آوری کنید، به صریح فرمایش ام المومنین، قرآن در زمان پیغمبر9 جمع نشد. بعد از پیغمبر9، ابوبکر و دیگران و دیگران و بعد هم در دوره حضرت فاروق «رضی الله عنا جمیعا»،

در دوره ایشان دو مرتبه جمع شد و بعد هم در دوره عثمان ذوالنورین، مرتبه سوم جمع شد. اهتمام شدید داشتند که در قرآن اسمی از علی7 برده نشود.

آیه‌ای که بالصراحه دلالت کند بر شرف و فضیلت علی بن ابیطالب7 در قرآن نباشد. به این کار اهتمام شدید داشتند، بنا بر قرائت اهل البیت (هذا صِراط عليٍ مُسْتَقيم) است (هذا صِراطٌ عَلَيَّ مُسْتَقيم) [2] به قرائت قرا دیگر نوشته شده و می‌خوانیم. علی‌رغم آن‌هایی‌که (أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلى ما آتاهُمُ الله مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنا آلَ إِبْراهيمَ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْناهُمْ مُلْكاً عَظيما) [3] اسم علی7 در قرآن باقی ماند، آن هم به صفت حکمت و دانش (وَ إِنَّهُ في أُمِّ الْكِتابِ لَدَيْنا لَعَلِيٌّ حَكيمٌ) [4] مرجع ضمیر بنابر روایات وجود مسعود علی بن ابیطالب مولای ما امیرالمومنین7 است. خدا او را در قرآن به این سمت ستوده است. علی بن ابیطالب7 آن‌چنان که دیشب در آن جلسه مختصر اشاره‌ای کردم به تمام معنا، اعجوبه عالم وجود است. علی بن ابیطالب7 مدار و مرکز ولایت کلیه دائمیه تا روز محشر است.

در زیارت پیغمبر9 یک عبارتی دارد: « الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَل » [5] در معنای این، نظرها داده شده است. بهترین نظرها این معنا است که پیغمبر اسلام9 دستگاه نبوت را ختم کرد و در هم پیچید.

نبوت بر او ختم و مهرش گواه   که بر خط آخر رود مهر شاه

ولیکن باب ولایت کلیه را این پیغمبر گشود، ولایت یعنی قدرت تصرف بر «مُوَلّا علیه» و خدای متعال «ولی» است (إِنَّما وَلِيُّكُمُ الله وَ رَسُولُهُ وَ الَّذينَ آمَنُوا) [6] (وَ هُوَ الْوَلِيُّ الْحَميد) [7] ، (الله وَلِيُّ الَّذينَ آمَنُوا) [8] ، خدا ولی ممکنات است و متصرف در آن‌ها است. ولایت به معنای تصرف و استیلای بر «مُوَلّا علیه» که هر طور دلش می‌خواهد مُوَلّا علیه را زیر و رو کند و بچرخاند. این ولایت تا پیش از پیغمبر خاتم حضرت ابوالقاسم محمد9 در انبیا دیگر بوده ولی جزیی، نه کلی، به مقدار نطاق شرع و منطقه آئینشان، از حیث کمیت عددی و کیفیت زمانی، این‌ها ولایت داشتند، ولی ولایت بر کل ممکنات نداشتند. ولایت بر کل ما سوی الله حتی انبیاء، این برای خاتم پیغمبران9 است که ایشان مبعوث من الله بر جمیع ممکنات است.

این‌جا یک حدیث بگویم و رد شوم. دو سه تا حدیث این‌جا است عجیب و غریب است یک حدیثش این است:

«ان الله تعالی بعث محمدا و هو روح الی الارواح» [9] یک حدیث است. خداوند پیغمبر ما را در عالم ارواح برای ارواح فرستاد، ارواح یک دسته از موجودات هستند از ملک هم بالاتر هستند، (تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فیها) [10] ، عالم ارواح و روح یک عالمی بالاتر از فرشته‌ها است. خدا این پیامبر9 را در موقعی که روح خالص بود و هنوز تعلق به بدن نیافته بود برای ارواح مبعوثش کرد. بالاتر از این حدیث داریم که پیغمبر مبعوثش کرد در «عالم اظله» و «اشباح»، از قِبَل خدای متعال به رسالت برانگیخته شده بود، و رسالت بدون ولایت نمی‌شود. ولایت هم بدون عبودیت نمی‌شود. این یک مبحثی که امروز نمی‌توانم درش وارد شوم.

اول عبودیت است، دوم ولایت است، سوم رسالت است. پیغمبر ما رسالتش جهانی بوده است، یعنی از عقل اول تا برسد به هیولای آخر، از دُره بیضا تا ذره هبا، و از عقل تا به هیولا، همه امت این پیغمبر هستند.

حیفم آمد مجلس پر است از اهل علم و دانش، حیفم آمد این حدیث را نگویم و رد بشوم. آقایان اهل علم در سوره مبارکه «اذا وقعه» سه دسته را خدا ذکر کرده است: «السابقون السابقون»، یک دسته هم «اصحاب المیمنه»، یک دسته هم «اصحاب مشئمه»، سه دسته در سوره مبارکه اذا وقعه ذکر شده است. دو تا حدیث در ذیل این آیات آمده است، این دو تا حدیث را با هم جمع کنید، به طرز شکل دوم، از اشکال اربعه منطق، می‌بینید چه نتیجه می‌گیرید.

یک حدیث این است: بیان می‌کند مراد از سابقون در این آیه مبارکه انبیا و مرسلین هستند. اصحاب میمنه، صلحا و مومنین هستند. اصحاب مشئمه، کفار و فجار و منافقین هستند. این یک حدیث. که سابقون را معین می‌کند چه کسانی هستند.

یک حدیث دیگر هم دارد که پیغمبر9 فرموده‌اند: تمام این سه دسته، امت من هستند. یک حدیث دارد پیغمبر9 می‌فرماید: هر سه طایفه سابقون و اصحاب میمنه و اصحاب مشئمه، این‌ها امت من هستند. یک حدیث دیگر هم دارد که از پیغمبر9 نقل کره‌اند فرموده است: سابقون انبیا هستند. این دو را به هم بچسبان. به شکل ثانی از اشکال اربعه، خدمتتان عرض شود.

حمل به هر دو دوم   وضع به هر دو سوم

رابع اشکال را   عکس نخستین شمار

به «شکل دوم» نتیجه این می‌شود که تمام انبیا امت این پیغمبر هستند. ملائکه و روح و انبیا همه امت این پیغمبر ما9 هستند و این چندین بعثت داشته است. یک بعثت کوچولویش بعثت در این عالم

ماده است. ایشان چون رسالتشان کلی است و در تمام ممکنات است، ولایتشان هم کلی خواهد بود. چون قبل از رسالت، ولایت است. مثل این‌که عبودیت این پیغمبر9 هم عبودیت کامله بوده است. چون بنده کامل شد، «ولی» کامل شد. چون «ولی» کامل شد رسالتش کامل شد. اتم رسالات و اعم رسالت این پیغمبر9 است. آن وقت رسالت‌ها و نبوت‌ها به وجود این پیغمبر9 پایان پیدا کرد، ختم شد. ولایت کلیه بوجود این پیغمبر9 فتح شد.

خوب گوش بدهید مبحثی است که فضلای عالی مقام این مجلس، این مبحث را مایل هستند ذکر شود، بعد هم می‌رسیم به حرف‌هایی که برای عموم مفهوم باشد. ولایت کلیه از این پیغمبر9 در دنیا باقی ماند تا قبل از این پیغمبر9.

ولایت‌های انبیا ولایت جزئی بود به اندازه نطاق شرع و منطقه آئینشان و افراد و حوزه امتشان بود. این پیغمبر چون نطاق آئینش جهانی و همگانی است، و چون مقام ولایتش، مقام رسالتش، تا به عالم ارواح و اظله هم رفته است، ولایتش هم این‌طور است. بر تمام ممکنات این پیغمبر تسلط و استیلا دارد. لذا ولایتش کلی است و عام است. آن وقت این پیغمبر9 که رفت، نبوت را با خودش برد. ولی ولایتش باقی ماند. ولایت کلیه در این عالم جریان پیدا کرد به وفات و شهادت حضرت پیغمبر9 ولی سرچشمه از کجا گرفت؟ از وجود مسعود امیرالمومنین و قائد الغر المحجلین و سید الوصیین مولای ما حضرت علی بن ابیطالب7.

علی به دادتان برسد. به اسم مرتضی علی7 دو تا صلوات جلی بفرستید.

دست خدا علی، وصی احمد	افراشت هفت گنبد خضرا را
بوی ؟؟؟ 22:50 و بحر چنین رویی	آئینه دان تمامت اشیا را
ذاتش فروگرفته ز سر تا بن	اوج سپهر و مرکز قبرا را

تمام این شعرها درست است. یک سرسوزن نه غلو و نه افراط است.

ذاتش فروگرفته ز سر تا بن	اوج سپهر و مرکز قبرا را
یک ذره تا از دل پاکش نور بود	پرنور کرد سینه سینا را
خواندمی نه اگر بردی	سبزه ز پیش ایزد یکتا را

پریشب یک وعده‌ای کردم. آن مجلس این شعرها به زبان ما آمد، مثل این‌که دستور داده شده است وعده آن‌جا را این‌جا انجام بدهم.

پریشب صحبت تجلی رب جبل، بر جبل شد و اِندکاک کوه و مردن حضرت موسی7، آن‌هایی که بودید شنیدید (فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسى صَعِقا) [11] در مقابل درخواست حضرت موسی7 به اصرار آن‌هایی که همراهش بودند خطاب آمد (لَنْ تَراني) [12] تو من را نمی‌بینی. حالا این‌جا حرف‌ها خیلی است. فعلا مقتضی نیست شرح بدهم که چرا «لن ترانی» گفتند؟ به هر حالت (وَ لكِنِ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ) [13] به کوه نگاه بکن. ما یک جلوه‌ای به کوه متجلی می‌کنیم. اگر کوه سر جای خودش قرار گرفته بود، تو هم می‌توانی جلوه ما را بیابی و وجدان کنی، آن وقت دارد «فلما تجلی ربه للجبل» حالا مرجع «ربه» موسی7 است یا جبل، این را دیگر باید به روایات مراجعه کرد. من تکلیف ندارم بالا منبر بگویم. اهل فضل مراجعه کنند. «فلما تجلی ربه للجبل»، «رب الجبل» او «رب موسی»، در روایات دارد روایت هم سندش مستند و معتمد و معتبر است. مرحوم محدث کاشانی مرحوم فیض قدس الله سره که جز «محمدون ثلاث اخر» است و از بزرگان علما و محدثین است و رجالیین ما شیعه است ایشان در تفسیر صافی‌شان این حدیث را به سند معتمد نقل کرده‌اند. علامه مجلسی رضوان الله علیه هم در بحار نقل فرموده‌اند دیگران هم نقل کرده‌اند.

اگر روز بیست و یکم نمی‌بود و این مجلس نمی‌بود به این بی‌پردگی من بیان نمی‌کردم.

دارد امیرالمومنین علی7 همین آقای ما، همین مولای ما، این یک ؟؟؟29:50 دسته شیعه دارد، اولا بدانید، شیعه علی7 ما ؟؟؟ زوار در رفته نیستیم. ما ؟؟؟ ننگ علی بن ابیطالب7 هستیم. خدا شاهد است. هیچی، بله یکی دو سه تایی مثل سلمانی و کمیلی و مقدادی، مثلا فرض بفرمایید، آن‌ها که آن زمان بودند و الا ما شیره علی هستیم نه شیعه او، علی بن ابیطالب7 یک دسته شیعه در عالم بالا دارد، در عالم ملکوت، شیعیانی دارد امیرالمومنین7 منزه از تمام نقائص و نواحس، شیعیانی دارد ملکوتی، یکپارچه نور هستند، یکپارچه سرور و ؟؟؟ 31 و ظهور هستند، یکپارچه دانش هستند، یک پارچه قداست و سبوحیت است.

در روایت دارد وقتی‌که موسی7 آن توقع را کرد و خطاب آمد (انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ) به کوه نگاه کن، به یکی از شیعیان ملکوتی علی7، دستور داده شد که جلوه کند. او بر کوه طور تجلی کرد، کوه از هم پاشید و موسی7 منصعق شد و از دنیا رفت. که در (وَ خَرَّ مُوسى صَعِقا) در روایت دارد. «ای مات»، خلع بدن کرد، مرد. جلوه‌ای که در کوه طور شده و کوه را از هم پاشانده است و موسی کلیم7 از شدت آن جلوه قالب تهی کرده و به قول درویش‌ها خرقه را پاره کرده و به قول ماها از

بدن روحش خارج شده است. جلوه شیعه کروبی، تعبیر این‌طور دارد، از شیعیان کروبی علی بن ابیطالب7 یکی تجلی کرده است «و ربه»، «رب الجبل» یا «رب موسی» بالاخره این را باید به روایات مراجعه کرد. فضلا مراجعه کنند. من نمی‌خواهم خیلی دیگر پرده دری کنم، نه خود علی7، شیعه علی7 یک جلوه کرده است. کوه را از هم پاشانده و موسایی منصعق شده است.

این روایت است. بافتنی بنده نیست، بخار معده نیست، روایت معتبر و معتمدی که مانند فیض از محدثین بزرگ شیعه و علما و حکما و مفسرین و رجالیین و چه و چه. فیض شخصیت اول ممتاز است، ایشان نقل کرده و مجلسی هم به چند سند نقل کرده است. توجه فرمودید! این علی7، شیعه کروبی‌اش این‌طوری است چه برسد به خودش، این که این شعر درست می‌گوید:

یک ذره تا از دل پاکش نور بود　　　　پرنور کرد سینه سینا را

ذاتش فرو گرفته ز سر تا بن　　　　اوج سپهر و مرکز قبرا را

راستی.

سروش می‌گوید:

خواندمی نه اگر بردی　　　　سبزه ز پیش ایزد یکتا را

علی7 ما این است. حالا ارباب‌های دیگران هم اگر یک سر سوزن از دریا، اقیانوس آتلانتیک می‌دانید چقدر بزرگ است، سوزنی را بزن تو اقیانوس، سر سوزن تا کمرش فرو نکن، همان سر سوزن را بزن تو این اقیانوس، این چقدر رطوبت به خودش می‌گیرد، آن رطوبت بالنسبه به آن دریای بزرگ چه نسبتی دارد، نسبت سیصد تا صفر پهلو هم بگذارید به رقم نه، صفر به رقم نسبتی ندارد، نسبت عدم به وجود است.

اگر برادران ما،

خدا به حق پیغمبر9 همه برادران مسلمان ما را حفظ کند.

خدا به حق پیغمبر9 گویندگان شهادتین را از جمیع اشتباهات نجات بدهد.

همه ایشان را به متن حقیقت هدایت بفرماید.

و از شر کفار و ضر اشرار همه مسلمانان را در پناه امام زمان7 نگهداری بکند.

این برادران عزیز ما یک چیزی بیاورند به ما نشان بدهند که به قدر یک سر سوزن از دریا، که چقدر است، همین قدر از مقامات معنوی علی7 درش باشد. ما خاک زیر پای او را بر می‌داریم طوطیا و سرمه چشممان می‌کنیم

أولئك آبائي فجئني بمثلهم إذا جمعتنا يا جرير المجامع

علی7 ما این است. شیعه‌اش جلوه می‌کند موسی7 را منصعق می‌کند. شیعه کروبی‌اش البته نه ماها، شیعه کروبی‌اش جلوه می‌کند کوه از شدت جلوه او از هم می‌پاشد (جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسى صَعِقا). وای به جلوه خودش، خودش جلوه کند محترق می‌کند، اگر علی7 به ولایت کلیه‌اش جلوه کند، اشعه جلال و لمعات جمال ولی مطلق خدا می‌سوزاند، اشیا را محترق می‌کند. مطلب از این بالاتر است، به خود مرتضی علی7 به موجب روایات، مطلب از این بالاتر است.

ولی دیگر اینجا بس است، ترمزش می‌کنیم. بله، حالا این علی7 این مقامات را از کجا آورده است؟ یک کلمه هم اینجا بگویم. این مقامات از سرچشمه پیغمبر9 به او رسیده است. « أَنَا أَدِيبُ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ أَدِيبِي » [14] این عبارتی است که به پیغمبر9 نسبت دادند.

روایت است پیغمبر9 می‌گوید: من تربیت شده خدا هستم و علی7 تربیت شده من است. من در مکتب (عَلَّمَكَ مالَمْتَكُنْ تَعْلَم) [15] پیش معلم باشی کل، یعنی خدا، خدا معلم باشی کل است. من درس خواندم. علی7 هم در مکتب من درس خوانده و تربیت شده است. خودش هم می‌گوید: «أَدَّبَنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي» [16] پیغمبر9 می‌فرماید، به هر حالت علی7 نورش هم از نور پیغمبر مشتق و منشعب شده است. حجاب اعظم خدا، حضرت خاتم الانبیاء9 است. علی حجاب عظیم است و پرده دوم نورانی است. خدا در پس حجب نورانی است. حجاب اعظمش حضرت خاتم الانبیا حضرت ابوالقاسم محمد9 است. حجاب دومش علی بن ابیطالب7 است. هرچه به رتبه دوم می‌رسد، از اول می‌رسد. توجه فرمودید!

علی7 آنچه دارد از پیغمبر9 دارد. این درویش بازی‌ها را ول کنید. علی7 را بالا دست پیغمبر9 نبرید. علی7 را برابر پیغمبر9 نبرید. علی7 شاگرد پیغمبر9 است. فقرا، دراویش، علی7 کوچکتر از پیغمبر9 است، علی7 دست پرورده پیغمبر9 است، علی8 با پیغمبر9 یک درجه ندارد. علاوه بر اینکه با پیغمبر9 یک درجه ندارد، خودش کوچکی به پیغمبر9 می‌کند و می‌کند. ما هم باید کوچکترش بدانیم.

یک کلمه‌ای این‌جا خوب است بگویم. باز بین الهلالین آقایان «رحم الله امر عرف قدره ولم یتعد طوره» [17] خدا رحمت کند کسی را که حد خودش را بشناسد، پا را فراتر از حد خودش بر ندارد. خدا رحمت آن کسی‌که حفظ حدود اشخاص را کند، اگر حدود اشخاص را حفظ نکردی به زندقه می‌افتی، مثلا شما یک بچه طلبه «امثله خوان» را بهش بگویید حضرت آیت‌الله‌العظمی جناب آقای ملا محمد ابراهیم، یک بچه‌ای که «جامع المقدمات» می‌خواند این آیت الله نخواهد شد، به این گفتن من و شما، او آیت الله نمی‌شود، این گفتن، او را بالا نمی‌برد، ولی این گفتن آیت الله‌ها را هتک می‌کند، هتک مقام آن‌ها شده است.

یک دو تا عکسی در جایی دیدم، دیدم یک بچه طلبه‌ای را پهلوی یک آیت الله العظمی، دو تا آیت الله العظمی چپاندند. من خلقم تنگ شد. گفتم پسر، او بچه طلبه جایش این‌جا نیست. زیرش هم نوشتن آیت الله العظمی غلط است. او بدین نوشته آیت الله العظمی نمی‌شود. ولی آیت الله العظمی‌ها هتک می‌شوند پایین می‌آیند. فهمیدید! مثلا یک پلیسی را شما بهش بگویید تیمسار، این به پلیس اگر گفتید جناب تیمسار که تیمسار نمی‌شود، سر تیپ نمی‌شود، سر لشکر نمی‌شود. اما این عبارت اهانتی به سر لشکرها شده است، یک پلیسی که آجودان هم نباید بهش گفت، سروان هم نباید بهش گفت، سرهنگ هم نباید بهش گفت، بهش بگویی جناب تیمسار، این تیمسار را خراب کردی.

آقا به این‌که علی7 را شما بالا ببریدش، همدوش پیغمبر9 یا بالاتر، یک مجلسی رفتیم جمعی از این فقرا بودند، حلقه ذکر داشتند، بنده به همه سوراخ‌ها سر زدم، همچین آخوند ساده خشک نیستم، از همه چیزی بهره‌ای دارم، ما را از هر نمدی کلاهی است.

رفتم به حلقه ذکر یکی از فقرا ؟؟؟ 44:10 نشسته بودند و مشغول ذکر بودند و اشعاری را می‌خواندند. ترکیب بند بود. در آن بند مُرجّعش که می‌رسیدند همه دم می‌دادند، ما هم دم می‌دادیم آن بند آخرش این بود:

در مذهب عارفان آگاه الله علی، علی است الله

این را بایستی همه بگویند. ؟؟؟44:45 از این بان‌بول‌ها در می‌آورند ؟؟؟ شهقه‌های اختراعی مصنوعی دارند، قلقله‌های گلوی عجیب دارند، همه ؟؟؟. من مشک را دیده‌ام لذا با پشک فرق می‌گذارم. من اهل سیر و سلوک حقیقی را دیدم با این حقه بازی‌ها می‌توانم زود تشخیص بدهم.

الله علی، علی است الله

من دیدم کفر صریح است. آقا در مرتبه دوم که گفتند ما به صدای بلند گفتیم.

در مذهب صوفیان گمراه　　　　　　الله علی، علی است الله

و الا در مذهب عارفان آگاه، الله، الله است، علی7 عبدالله است. بنده کوچک خدا است. از این‌که علی7 را الله گفتیم علی7 الله نمی‌شود. علی7 برابر با پیغمبر9 هم نمی‌شود. اما از این گفتار خدا را هتک کرده‌ای و پیغمبر9 را اهانت کرده‌ای، مثل همان مثالی که گفتم. خدا رحمت کند آن کسی را که حدود را حفظ کند، اگر حفظ مراتب نکنی زندیق هستی، مراتب اشیا و اشخاص را حفظ کنی. علی7 همه این کمالاتی را که دارد به حسب جوهر اصلی وجود از پیغمبر9، خدا به او داده است. اول نوری که مشتق از نور عظمت خدا است نور خاتم الانبیا9 است و نور علی بن ابیطالب7 از نور پیغمبر9 اشتقاق پیدا کرده است و تمام این کمالات از پیغمبر9 است پیغمبر9 دائره رسالت و نبوت را ختم کرد و فتح کرد دائره ولایت کلیه را از سرچشمه وجود مسعود علی7.

علی7 دارای ولایت کلیه است. ؟؟؟ 47:20 تا عرش خدا ؟؟؟ آمده تا زیر فرش ؟؟؟ . یدالله است خدا با یدش می‌چرخاند. دیگران اگر یک سر سوزن از اقیانوس این مقام ولایت علی7 را دارند به ما ارائه بفرمایند، ما روی سرمان می‌گذاریم. این مقام نورانیت علی 7 است. یک سر سوزنش به جان علی بن ابیطالب7 این یک مقدار کمی بود اشاره کردم و الا مطلب بالاتر از این‌ها است. این مقام نورانیت علی7 است. آن وقت بیا به مقام جسمانیتش. دیشب بودید گفتم مظهر العجایب است. اصلا اعجوبه است. عقل عقلا حیران است.

هذا من جوهر التقدس ذاتا ساحه الانبیا فی معناها　　　　　　انما الکائنات نقطه خط بیدیه نعیمها و شقاها

در لوح وجود اولین سطر　　　　　　بر مصحف جود آخرین خط

الله و محمد و علی بود　　　　　　با خط جلی علی ولی بود

قربانت بروم یا علی، ولایتش را از بالا دست ملائکه‌ها گرفته، دستش را گذاشته تا بالا سر ملائکه و کروبیین، همین‌طور آورده و آورده و آورده تا بر سر بچه‌های یتیم، بچه‌های بی پدر، بچه‌های دل شکسته، گوشه‌های خانه‌ها.

صلی الله علیک یا امیرالمومنین.

این قدر یتیم نوازی می‌کرد. خیلی از اصحاب گفتند ما آرزو می‌کردیم و می‌کنیم کاش یتیم می‌بودیم. مورد مهر علی7 واقع می‌شدیم. محال بود امیرالمومنین7 بفهمد. یک زنی، یک مردی، یک بچه‌ای، یک بزرگی، این ضعیف است، عاجز است، ناتوان است، بی‌کس است، خودش را به او نرساند.

یک تکه دیگر بگویم این را «کامل بهایی» نوشته است. دیشب وقتی‌که امیرالمومنین7 را دفن کردند، بچه‌ها می‌آمدند رو به خانه امام حسن7، امام حسین7، محمد حنفیه، اباالفضل، سایر بچه‌ها با حال عجیب و غریبی، چشم‌ها گریان است، دل‌ها نالان است، از کنار یک خرابه‌ای عبور کردند، دیدند صدای ناله ضعیفی به گوش می‌رسد، حالا دم دمه سحر است، چون علی بن ابیطالب7 در ثلث آخر شب، قبل از طلوع فجر، از دنیا رفته است، غسل دادند و بردند دفنش کردند حالا برگشته، دیدند صدای ناله ضعیفی از میان خرابه‌ای می‌آید. امام حسن7 به امام حسین7 فرمود: برادر برویم جستجو کنیم. این‌جا چه خبر است؟ این کیست؟ در این شب تار کیست که این‌طور دارد ناله می‌کند؟ وقتی آمدند دیدند یک بیمار کوری است روی خاک افتاده است. او دارد ناله می‌کند. هی صدا می‌زند یار مهربانم کجایی؟ دوست عزیزم کجایی؟ سه شب است از من خبر نگرفته‌ای، حسنین8 پهلوی این بیمار نشستند، کی هستی؟ چی کسی هستی؟ چرا ناله می‌کشی؟ عرض کرد: فرد کور عاجز بیماری هستم، افتادم. در این ناله چه می‌کشی و از که شکایت می‌کنی؟ گفت: یک کسی بود، بنده‌ای از بندگان خدا بود، تا سه شب پیش هر شب پهلوی من می‌آمد، از من پرستاری می‌کرد، برای من دوا و غذا می‌آورد، مرا پذیرایی می‌کرد، نمی‌دانم چه شده است سه شب است نمی‌آید؟ و من تنها هستم و غریب و بی کس، می‌شناسی کی بود؟ نه من که چشم ندارم هر وقت سوال می‌کردم شما با این مهر و عطوفت کیستی؟ می‌گفت: من بنده‌ای از بندگان خدا هستم.

هیچ نشانه دیگری از او داری؟ نشانه‌اش این است که هروقت می‌آمد قلب من روشن می‌شد، دل من خرسند می‌شد، گویا تمام این محیط بوجود او نورانی شد، همچین که این کلمه را گفت، اشک از دیده‌های حسنین8 جاری شد.

شما هم علاقه دارید معلوم می‌شود الحمد لله، قلب‌هایتان با مقام ولای امیرالمومنین7 پیوند گرفته است. خوشا بر احوالتان، نشانه طهارت مولد، نشانه حلال زادگی، نشانه بهشتی بودن، حب ولای علی بن ابیطالب7 است. نشانه محبت علی بن ابیطالب7 است این است که وقتی می‌شنوی صدمات و رنج‌ها و شکنجه‌هایش را دلتان می‌شکند، این اشک‌های شما نشانه محبت است و محبت نشانه طیب مولد است.

خدایا به حق مرتضی علی7 به عظمت مرتضی علی7 ما را در دنیا و آخرت از علی7 جدا نفرما.

همان‌طوری‌که در دنیا پیوند محبت قلبی ما را به ولای علی زده‌ای در آخرت هم ما را در جوار رحمت علی7 جایگزین فرما.

یک مرتبه اشک حسنین8 جاری شد. صدا زدند ای مرد او بابای ما علی7 بود. سه شب است بابایمان تو خانه، تو بستر افتاده است. سه شب قبل، فرق بابایمان را با شمشیر جفا شکافتند. پیرمرد خیلی منقلب شد بنا کرد گریه کردند. آقازاده‌ها ممکن است من را سر قبر بابایتان ببرید دست این مرد را گرفتند کنار قبر امیرالمومنین7 آوردند.

خدا همه‌تان را به حرمش برساند.

همچین که این مرد بالای قبر افتاد صورتش را روی قبر علی7 نهاد این چنین نوشتند: صورت را از بالای قبر بر نداشت این قدر گریه کرد و ناله کشید که صدایش خاموش شد. وقتی نزدیک آمدند دیدند این مرد بالای قبر مولایش از دنیا رفته است.

این رسم علی7 بود. دست ولایتش از زیر عرش، از ساق عرش، بر سر ممکنات نهاده است تا به آن خرابه و بر سر آن مرد کور عاجز ضعیف. و همین است معنای ولایت کلیه.

یک موقعی به قنبر یک نشانی داد. گفت: چشم ملکوتی و برزخی قنبر را باز کرد. قنبر گفت: یک نگاه کردم دیدم آقایم علی7 بین زمین و آسمان است. پایش روی زمین نیست. در مکاشفه برزخی ملکوتی است. گفت: دیدم پایش روی زمین نیست، بین زمین و آسمان است و دارد با هفت طبقه آسمان بازی می‌کند، مثل ده تا گردویی که یک جوانی به دستش بیاندازد و بگیرد. گفت: دیدم با چرخ و فلک و طبقات آسمانی دارد بازی می‌کند.

؟؟؟ بنده سپید و سیاه او را ؟؟؟ منور و شب ؟؟؟ 1:01:50 شد

روز و شب دو تا از بندگان علی بن ابیطالب7 هستند به اذن الله تعالی، در روایت داریم، این معنای ولایت کلیه است که از عرش تا فرش، و از ثریا تا به ؟؟؟ 1:02:15 و از عقل تا هیولا و از دوره بیضا تا ذره هوا همه زیر دست علی بن ابیطالب7 است.

خدا همه شما را با مرتضی علی7 محشور گرداند.

این ولایت کلیه را پیغمبر9 فتح کرد از باب الابواب و پسر عمش علی7، و الان این ولایت کلیه در وجود مسعود اعلی حضرت امکان مکنت و کیهان شوکت حضرت بقیه الله فی الارضیین و حجه الله علی العالمین فرزند ارجمند امیرالمومنین امام زمان7 است. الان این ولایت کلیه در وجود او است.

و از امشب با یاری خدا من در آن مجلس وارد مبحث مربوط به امام زمان7 خواهم شد تا چند شبی که اگر زنده باشم، تا آخر لیالی ماه مربوط به حضرت صحبت می‌شود و جنبه ولایت کلیه امام عصر ارواحنا فداه ؟؟؟ 1:03:50 و ما به این جهت به علی7 گرویده‌ایم. ما با علی7 که قوم و خویشی نداریم و از علی7 که رشوه مادی نمی‌گیریم. ما علی7 را در این مقامات فهمیده‌ایم لهذا به او ایمان آورده‌ایم. دیگر بس است.

دیشب شروع کرد به وصیت‌های عمومی و وصیت‌های خصوصی‌اش، وصیت‌های عمومی مربوط به مصالح اجتماع است همه را علی7 بیان کرد. در پی چند سطر، آنچه نظام اجتماع را نگه می‌دارد و ؟؟؟ 1:05 باقی می‌دارد، علی بن ابیطالب7 بیان کرد. سپس شروع کرد به وصیت‌های خصوصی‌اش، بابا حسن7 بعد از من، تو بر خلق امام هستی، تو پیشوای مردم هستی و بعد از تو برادرت حسین7. فرزندم حسین7، تا حسن7 زنده است تو ساکت باش و از برادرت پیروی کن مادامی‌که حسن7 زنده است او امام است، حسین7 باید پیروی کند. پس از مرگ او حسین7 امام بر خلق است. بابا جان حسنم، حسینم، این برادرهای شما هستند، این‌ها پسران پدر شما هستند، با آن‌ها به ملاطفت و عنایت رفتار کن. رو به پسرهای دیگر بچه‌ها، این دو تا آقا زاده پیغمبر9 هستند، این‌ها آقایان شما هستند.

من بگویم سیدها بیشتر بنالند. بچه‌های من، این‌ها پسران فاطمه زهرا3 هستند این‌ها آقازاده‌های شما هستند. باید از این‌ها اطاعت کنید. فرمانشان را امتثال کنید. بابا حسن7 چون من از دنیا بروم مرا غسل بده، حنوط کن، کفن کن، بابا جان مرا بگذارید به جنازه و دنباله جنازه را بگیرید و ببرید، هر جا مقدر است جنازه فرود آمد، آنجا جنازه را بنهید. سنگ سفیدی می‌بینید، آن سنگ را بلند کنید، قبری ساخته و لحدی پرداخته است، یک لوحی آن‌جا خواهید دید به خط نوح پیغمبر9 در آن لوح نوشته شده است: این قبر را حضرت نوح7 برای من ساخته و پرداخته است، بابا حسن7، بابا حسین7، مرا به خاک بسپارید. چند صورت قبر درست کنید. در مسجد کوفه یک صورت قبر بسازید. در خانه ابن حمیره 1:08:40؟؟؟ یک صورت قبر بسازید. در ؟؟؟ یک صورت قبر بسازید. در رهبه یک صورت قبر بسازید. فردا هم یک جنازه‌ای را حرکت دهید که امر بر مردم مشتبه باشد.

نمی‌دانم بگویم یا نه، علی الله می‌گویم، ولی با سر برهنه می‌گویم. روز بیست و یکم ماه رمضان است. روز شهادت امیرمومنان7 است. باید دست و سر و صیحه و ناله، اشک دیده، سوز سینه، در

راه علی7 به خدمت واداشته شود. می‌دانید چرا؟ چهار صورت قبر درست کنند، یک جنازه به طرف مدینه روانه کنند. برای چه؟ این عبارت را نقل کرده‌اند. علامه مجلسی هم مفصل گفته و همین‌طور هم هست. فرمود: بابا اگر بدانند قبر من کجا است،

آرام نگیرند آن‌ها که در مجلس هستند،

می‌آیند بدنم را آتش می‌زنند.

ای وای

این قدر خوارج نهروان لعنهم الله با علی7 عناد و عداوت داشتند که فرمود: قبرم را پنهان کنید ندانند. می‌آیند قبر مرا نبش می‌کنند، بدنم را بیرون می‌آورند و بدنم را می‌سوزانند.

تا زمان امام صادق7 قبر آقا علی7 پنهان بود. شیعیان نمی‌دانستند قبر مولایشان کجا است.

دیگر دعایتان بگویم.

یک وقت دیدند رنگ علی7 زرد شد، یک وقت دیدند علی7 پاها را به جانب قبله دراز کرد. دیدند لب‌های علی7 حرکت می‌کند همچین که گوش دادند دیدند می‌گوید: «اشهد ان لا اله الا الله» (لِمِثْلِ هذا فَلْيَعْمَلِ الْعامِلُون) [18] گفت و گفت یک وقت هم دیدند صدای ؟؟؟ 1:12:30 تمام شد، دیدند خاموش شد.

من بگویم شما صدایتان بلند شود.

همچین که نگاه کردند دیدند آقا از دنیا رفته است.

ای وای.

بیست و هشت فرزند دارد علی7، همه نگاه می‌کنند، یک مرتبه ناله همه بلند شد، بیست و هشت بچه، دختر و پسر همه فریاد زدند وا علیاه.

حیف است تا نجف رفتیم و کوفه، تا کربلا نرویم شما را کربلا ببرم.

هنگام مرگ علی7 بچه هایش دور بدنش وا علیاه کشیدند. هنگاه مرگ پسرش حسین7

ای وای

شصت و چهار زن و بچه دنبال اسب بی‌صاحب میان بیابان همه فریاد می‌زدند وا محمداه.

چند نفر ارباب حاجت، حاجت‌های مشروع مختلف، التماس دعا کرده‌اند. به منظور روا شدن حاجات مشروع این برادران ملتمس ما و حاجات شرعی خود ما، چند نوبت، ده نوبت آیه مبارکه (أَمَّنْ یُجیبُ) را تلاوت بفرمایید با حال تضرع و توجه و توسل، امید خداوند به برکت امیرالمومنین7 احتیاجات مشروع همه شما را روا بفرماید.

بسم الله الرحمن الرحیم

همه یک آهنگ و بلند، که خود این ایجاد تاثیر در خود شماها خواهد داشت یک آهنگ بخوانید و با صدای بلند و با تضرع:

(أَمَّنْ یُجیبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَ یَکْشِفُ السُّوء) [19]

باسمک العظیم الاعز الاجل الاکرم، دست‌ها را بالا ببرید، زیر سر شق شده امیرالمومنین7 جنازه علی7 را بالا دستتان بگیرید، بدن بابا را از دست بچه‌هایش بستانید، بالای دست بگیرد بین خود و خدا شفیع قرار دهید.

باسمک الاعظم الاعز الاجل الاکرم بمولانا و سیدنا امیرالمومنین با جنازه علی7 دست را بلند چهل مرتبه:

یا الله

خدایا به ولایت علی بن ابیطالب7 و به سر سینه‌اش همین ساعت فرج فرزندش امام زمان7 را مقرر بفرما.

دل ما را،

نروید دعاها را آمین بگویید، کجا؟ چه خبر است.

تمام این حرف‌ها مقدمه برای دعا است، پسر دو دقیقه صبر کن.

خدایا به حق امیرالمومنین7 دل ما را به نور معرفت و نور عبودیت خودت و نور ولایت علی7 و یازده فرزندش متلالا فرما.

پیوند محبت و ولایت بچه‌های ما را با شجره ملکوتی امام زمان7 محکم‌تر فرما.

فرزندی که ولی امام عصر7 نباشد به ما مده.

بچه‌های ما را از شرور و فتن آخر الزمان حفظ فرما.

دین و ایمان ما و فرزندان‌مان را، خدایا به دست تو امانت سپردیم، ای خدای، امین مومن موتمن، خدا، دم مردن امانت ما را سالم به ما برسان.

ما را با ایمان کامل از دنیا ببر.

آن‌چه گناه تاکنون کرده‌ایم به گناهانمان معترف هستیم، ولی اربابمان بزرگ است، پیش تو آبرو دارد به حق مولا امیرالمومنین7 آنچه گناه کرده‌ایم این ساعت ببخش.

ما را از این خانه‌ات پاک و پاکیزه روانه بفرما.

به حق محمد و آلش: قداست و تقوای ممتد که تا آخر عمر ما را مانع از ارتکاب معاصی شود به ما و اولادهایمان عطا بفرما.

گرفتاری‌ها و پریشانی‌های عموم مسلمین را خاصه شیعیان را برطرف بفرما.

بیمارانمان سیما چند بیمار منظور ملتمس، لباس عافیت کامل آجل بپوشان.

بیماری نادانی را از ما دور بگردان.

ما را در سایه امام عصر7 موفق به امور خیر بدار.

خیرات و برکات آسمانیت را بر ما و همه مسلمین موفر و مبذول بدار.

مویدین اسلام و دین، مروجین مذهب جعفری در هر لباسی که هستند همه را تایید فرما.

مخربین را قلع و قمع فرما.

شر کفار سیما یهود عنود را از مسلمانان جهان دور گردان.

شر آن‌ها را به خودشان برسان.

خدایا، بزرگان ما، پیشوایان ما، روحانیین عالی مقاممان، خطبا و گویندگان دینی ما، که ما را هدایت و دلالت به ولایت اهل‌البیت: کرده‌اند و مرده‌اند همه را غریق رحمت بفرما.

مخصوصا آیات الهیه این شهر که رحلت کرده‌اند و حق عظیمی به گردن شما مردم دارند، این برکت دیانتی که در شما هست، این روحانیتی که در شما بیرجندی‌ها است که در سایر شهرستانی‌ها این‌طور نیست، این به برکت آیات الهیه و روحانیین والا مقامی است که داشتید و پدران شما تعلیم کرده‌اند، از آن‌ها قدردانی کردند، از آن‌ها پردان شما را تربیت به دین و شما را ؟؟؟ به آن تربیت کرده‌اند، خدایا به محمد وآلش: طبقات انوار را به روح همه آن‌ها سیما مرحوم

آیت الله آیتی بزرگ، مرحوم آشیخ محمد باقر و مرحوم آیت الله آیتی کوچک، مرحوم آشیخ محمد حسین که این بنیان بلکه همه بنیان‌های روحانی این شهر مرهون خدمات آن‌ها است بر علو درجاتشان بیفزا.

طبقات ارواح و ؟؟؟ برسان.

روحانیین موجود ما از آیات عظام، حجج اسلام، مدرسین والا مقام، طلبه‌های محصل علوم دینی، گویندگان و وعاظ و خطبای مذهبی ما، به حق محمد و آلش: وجود مسعود همه‌شان را باقی و بر قرار بدار.

بر تاییدات و ؟؟؟ آن‌ها بیفزا.

آن‌هایی که این ابنیه خیریه را بپا کردند، آن‌هایی که این مسجد را ساختند، این مدرسه را بنا کردند، هر کس و لو به قدر یک آجر کمک کرده است، و لو یک ریال سهم داشته و کمک داده است، به حق محمد و آلش: همه آن‌ها را بیامرز.

از ثواب‌های جلسات ما سهم عمده را به آن‌ها برسان.

آن‌هایی که در این مسجد بندگی تو را کرده‌اند به انحا عبادات، امام جماعت بوده‌اند، ماموم بوده‌اند، قاری قرآن بوده‌اند، مفسر بودند، محدث بودند، به انحا مختلف عبادت او را کرده‌اند و مرده اند، به محمد و آلش: همه آن‌ها را رحمت بفرما.

در ثواب‌های جلسات ما شریک و سهیمشان بفرما.

هرکس هر کمک می‌کند به ابنیه خیریه، مانند مسجد و مدرسه و حسینیه، به حق محمد و آلش: آن‌چه در این راه مصرف می‌کند، میلیاردها برابر در دنیا و آخرت به آن‌ها عطا بفرما.

آقایان محترمین و بانوان مخدرات، هر حاجت شرعی دیگر دارند برآور.

خدایا این راه زیارت امام حسین7 را به حق علی بن ابیطالب7 به روی شیعیان جهان باز بفرما.

آسایش ما را به حق امیرالمومنین7 روز افزون بفرما.

نعمت‌هایی که به ما عطا فرموده‌ای از ما زوال نیاور.

هرکس در این ماه صیام، در هر مسجدی، تکیه‌ای، حسینیه‌ای، تو خانه خودش، عرض ارادت به ساحت اهل‌البیت کرده است، خدماتش را قبول بفرما.

پاداش جزیل و اجر جمیل در دنیا و آخرت به همه‌شان عطا بفرما.

بالنبی9 و آله: و عجّل فرج مولانا صاحب الزمان7.

[1] . زخرف: 4

[2] حجر : 41

[3] نساء : 54

[4] زخرف : 4

[5]

[6] مائده : 55

[7] شوری : 28

[8] بقره : 257

[9] بحارالانوار : ج 15 ص 14 عبارت: أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بَعَثَ رَسُولَ اللَّهِ ص وَ هُوَ رُوحٌ إِلَى الْأَنْبِيَاءِ ع وَ هُمْ أَرْوَاح

[10] قدر : 4

[11] اعراف : 143

[12] اعراف : 143

[13] اعراف : 143

[14] بحارالانوار : ج 16 ص 231

[15] نساء : 113

[16] بحارالانوار : ج 68 ص 382

[17] ؟؟؟

[18] صافات : 61

[19] نمل : 62